

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی - کابل

۲۹ جولای ۲۰۲۱

"آب زور سربالا می رود" و یا رقابت در استفاده ابزاری از طالب؟!؟



علت استفاده از ماسک روشن نیست، جلوگیری از سرایت کرونا و یا تعفن اذیت کننده هر دوطرف

چهارشنبه- ۰۶ اسد ۱۴۰۰ - کابل: به نظر من از مهمترین خبر های امروز به ارتباط افغانستان، سفر دو روزه هیأت طالبان به جمهوری خلق چین تحت سرپرستی "ملا برادر" و دیدارش با وزیر خارجه چین می باشد. در یادداشت کنونی خواهم کوشید تا مختصراً ابعاد مختلف این مسأله را بازگشائی نمایم:

۱- هرچند دولت دست نشانده از طریق وزارت خارجه اش اعلام داشت که گویا در جریان این مسافرت قرار داشته و قسماً مسافرت در هماهنگی با آنها به منظور ترغیب و تشویق طالب جهت قطع جنگ و خونریزی صورت گرفته است، با آنها در نظر داشت این که چین کشوری نیست که به حرف اداره ای که بانیان و خدایانش به آن ملی ریزه نمی کنند، اعتنائی نماید، نفس این مسافرت و ملاقات "ملا برادر" با وزیر خارجه چین، وقتی با امتناع چین از شناسائی حاکمیت

طالب در حالی که زمان حاکمیت قداره و تازیانه و دار شان بر بیشتر از ۹۰ درصد خاک افغانستان حکم می راند و از طرف متحد ستراتیژیک چین یعنی پاکستان به رسمیت نیز شناخته شده بود، مقایسه گردد؛ می توان متوجه اهمیت قضیه و جریانات عقب پرده نیز شد.

۲- در نخستین تحلیل چنین به نظر می رسد که گویا چین به مانند بقیه همسایگان افغانستان، طالب را علی رغم تمام زشتی ها و جنایتکاری ها و عقب ماندگی هایش به مثابه یک واقعیت تلخ پذیرفته و اکنون که طالب را بعد از تصرف ولسوالی های بدخشان و تصرف مناطق سرحدی افغانستان با چین، همسایه دیوار به دیوار خود دیده چه بخواد و چه هم نخواهد با آنها همسایه می باشد؛ ناگزیر است باب و درب مراودات صمیمانه با همسایه را باز نماید.

با حرکت از چنین منظری می توان نوشت، طالب با زورش و با شکست دادن امریکا، خود را به مثابه یک واقعیت انکار ناپذیر بر همسایگان تحمیل نموده، همان ضرب المثل "آب زور سربالا می رود" را مصداق گردیده است. مشکلی که چنین طرز دیدی را زیر سؤال می برد، نوعیت ارجگذاری و احترام قایل شدن به یک نیرو می باشد. یعنی در صورتی که چین بر مبنای پیروزی های نظامی اخیر طالب وادار به چنین تمکینی می شد، و از خود پلان و برنامه ای در قبال طالب نمی داشت، در آنصورت از هیأت طالب نه به وسیله وزیر خارجه اش، بلکه ضمن مهمان نوازی شاهانه از آنها و پهن کردن فرش قرمز سر راه شان، از لحاظ اهمیت دیپلماتیک به جای وزیر خارجه، با یک تن و در نهایت با رئیس "انجمن تفاهم بین المللی" که در چنین مواردی مهماندار بوده و طالب ها از طرفشان دعوت شده اند، دیدار صورت می گرفت. نه این که "ملا برادر" را با چنین ملاقاتی تا درجه سیاستمدارانی چون "بلینکین" و یا "لاواروف" ارتقای رتبه بدهند.

۳- به نظر من دعوت چین از طالب و دیدار وزیر خارجه آن کشور با ملا برادر، بیشتر از آن که برخاسته از زورمندی طالب باشد، تلاش چین جهت استفاده ابزاری از طالب به منظور خنثا ساختن توطئه های امپریالیسم امریکا و شرکاء در چین و منطقه می باشد. بدین معنا:

می دانیم که یکی از دلایل تجاوز غارتگرانه و جنایتکارانه امپریالیسم امریکا و شرکاء بر افغانستان و اشغال خونبار این کشور به بهانه واهی "مجازات مسیبان وقایع ۱۱ سپتمبر"، فعال نگه داشتن "کانون بحران و جنگ افغانستان" از طریق پرورش و تربیت طالب به مثابه ابزار دست خودش جهت به هم زدن مناسبات و امنیت منطقه آسیای میانه، جمهوری اسلامی ایران، جمهوری خلق چین و حتا روسیه بود. امریکائی ها از همین رو در تمام این سالها نه تنها علیه طالب جنگ نکردند بلکه با حیل نظامی و سیاسی متعدد، تلاش ورزیدند تا یک جمع بی شکل و پراکنده را از طریق ارتش پاکستان در بالا ترین سطح سازماندهی و تسلیح نموده، ضمن حذف مخالفان نیرومند داخلی شان در افغانستان، آنها را با مثابه "پیاده نظام ناتو" در منطقه مورد تقصد قرار دهند.

این را هم می دانیم که وقتی این مرحله ستراتیژی امریکا موفقانه پایان یافت و درواقع قادر شدند طالب را به مثابه بدیل بالقوه و موفق دولت دست نشانده آماده سازند، یک شبه راه فرار پیش گرفته، دروازه ها را به وسیله عمال شان در حاکمیت بر روی طالب باز گذاشته در مدت زمان کوتاهی با سپردن بیش از ۲۰۰ ولسوالی به طالب، تقریباً از طریق زمین مناسبات دولت دست نشانده را با تمام همسایگان آن قطع نمودند.

چین به مثابه ضلعی از هدفی که قرار است امپریالیسم امریکا از طریق طالب بر آن حمله آورد، مسلم است که نه تنها برنامه کنونی امپریالیسم امریکا از دیدش مکتم نمانده و نمی ماند بلکه چه بسا از همان آغاز تجاوز امپریالیسم امریکا بر افغانستان، این هدف امریکا را نیز تشخیص داده بوده باشد. در نتیجه به مثابه یک قدرت بزرگ وقتی می بیند که

دشمنی تفنگی را پر نموده و جهت استفاده از آن علیه منافعش آمادگی می گیرد، نخستین تلاش خود را می باید در جهت به دست آوردن تفنگ و استفاده از آن علیه رقیب، متمرکز بسازد.

این همان کاریست که چندی قبل روسیه و بعد ایران در سطوح پائینتر انجام دادند و اینک چین در سطح بزرگتر و عالیتتر انجام می دهد.

هموطنان گرامی!

طالب که از اول به مثابه یک مهره بازی از جانب پاکستان، عربستان سعودی، انگلستان و امریکا به میدان انداخته شده بود، اینک با گذشت ربع قرن، جایگاه اولی اش که چیزی بیش از یک پیاده سطرنج نبود، ارتقاء نموده، هریک از طرفین متخاصم در سطح جهانی و منطقه می خواهند با سپردن نقش های بالاتر آنها را در خدمت خود قرار دهند. این که کدام یک سرانجام موفق می گردد وی را به استخدام خود در آورد و در چه مقام و جایگاهی؛ هرچه باشد یک واقعیت را تغییر داده نمی تواند، واقعیت این که طالب به مانند خلق و پرچم، به مانند جهادپست ها و به مانند جواسیس تکنوکرات مزدور و نوکر اجنبی و دشمن مردم افغانستان و منافع علیای کشور بوده و باقی خواهد ماند.

مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع، جزءلایتجزای مبارزه علیه دولت دست نشانده می باشد!

سرکها ما را می طلبند!